



# مبادی شناخت سیاسی علم اصول

www.ketab.ir

ناصر متقی

سرشناسه: متقی، ناصر  
عنوان و نام پدیدآور: مبادی شناخت شناسی علم اصول / ناصر متقی  
مشخصات نشر: قم: میراث ماندگار، ۱۴۰۰  
مشخصات ظاهری: ۲۱۲ص.  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۴-۶۵۷-۰  
موضوع: مذهبی - اصول فقه - شناخت شناسی  
رده بندی کنگره: ۱۲ / ۶۲۳ ع ۴۱ ک  
رده بندی دیویی: ۱۴۸/۴۲  
شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۱۲۳۶۹

نام کتاب: مبادی شناخت شناسی علم اصول  
نویسنده: ناصر متقی  
ویراستاران: علیرضا رضایی و محمدعلی نجفی کرمانشاهی  
ناشر: میراث ماندگار  
صفحه آرا: سیدعلی حسینی  
طراح: رضا فهیمی  
نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰  
قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۴-۶۵۷-۰  
سپارگان: ۵۰۰ جلد

مرکز پخش: انتشارات میراث ماندگار: ۳۶۵-۳۷۷۳-۰۲۵

## فهرست

۱۱	..... پیشگفتار
۱۴	..... مقدمه مؤلف
۲۲	..... بخش اول: نکات مقدماتی
۲۲	..... امر اول؛ اهمیت شناخت شناسی
۲۳	..... نکته ای در تبیین بیشتر اهمیت شناخت شناسی
۲۵	..... امر دوم؛ تاریخچه شناخت شناسی
۲۷	..... امر سوم؛ شناخت در فلسفه اسلامی
۲۸	..... امر چهارم؛ تعریف شناخت شناسی
۳۲	..... بخش دوم: مبای علوم
۳۲	..... امر اول؛ ضرورت مبای علوم
۳۲	..... امر دوم؛ تعریف مبای
۳۲	..... امر سوم؛ تقسیم مبای به مبای تصدیقی و تصویری
۳۶	..... بخش سوم: مبای علم اصول
۳۶	..... مبدأ اول: علم
۳۶	..... امر اول؛ وجود و تحقق خارجی علم
۳۷	..... امر دوم؛ معنای لغوی علم
۳۸	..... امر سوم؛ مشترک لفظی بودن علم و بیان معانی اصطلاحی آن

- ۴۰ ..... امر چهارم؛ عدم امکان تعریف حقیقی علم و دلایل آن
- ۴۱ ..... دلیل اول: دوری بودن تعریف حقیقی علم
- ۴۲ ..... دلیل دوم: انتفای تعریف حدی علم به خاطر عینیت ماهیت علم با وجود آن
- ۵۲ ..... نتیجه دلیل دوم
- ۵۲ ..... دلیل سوم: انتفاء تعریف علم به جنس و فصل به خاطر فقدان ماهیت به معنای اخص
- ۵۳ ..... نتیجه دلیل سوم
- ۵۳ ..... دلیل چهارم: عدم امکان تعریف به رسم تام به خاطر اعرف بودن علم
- ۵۴ ..... نتیجه دلیل چهارم
- ۵۴ ..... نکته: عدم امکان تعریف رسمی علم به رسم ناقص
- ۵۴ ..... امر پنجم؛ نیاز به تعریف لفظی علم و دلایل آن
- ۵۵ ..... امر ششم؛ فرق تعریف لفظی با تعریف شرح الاسمی
- ۵۹ ..... امر هفتم؛ تقسیم علم به حصولی و حضوری و تعاریف آنها
- ۶۳ ..... قول مطابق با تحقیق در تعریف علم حصولی
- ۶۴ ..... معانی صورت
- ۶۷ ..... امر هشتم؛ تقسیم علم حصولی به تصور و تصدیق و تعاریف آنها
- ۶۹ ..... تعریف حکم
- ۷۲ ..... امر نهم؛ متعلق تصدیق
- ۷۳ ..... امر دهم؛ تعاریف (لفظی) علم و بررسی و ملاحظات مؤلف بر آنها
- ۸۴ ..... تعریف مؤلف از علم
- ۸۶ ..... نتیجه بحث

- کاربرد ..... ۸۷
- مبدأ دوم: علم عقلی ..... ۸۷
- تعریف مؤلف از علم عقلی ..... ۸۷
- کاربرد اصلی علم عقلی ..... ۸۸
- کاربردهای علم عقلی در اصول ..... ۸۸
- کاربرد علم عقلی در فقه ..... ۹۲
- مبدأ سوم: علم عادی ..... ۹۳
- امر اول؛ کلام علامه شعرانی پیرامون علم عادی ..... ۹۴
- تشکیکی بودن یقین ..... ۹۹
- امر دوم؛ تعریف علم عادی از دیدگاه مؤلف ..... ۱۰۳
- نتایج امر دوم ..... ۱۰۵
- کاربردهای علم عادی در اصول ..... ۱۰۶
- کاربردهای علم عادی در فقه ..... ۱۰۸
- مبدأ چهارم: یقین ..... ۱۱۰
- امر اول؛ معانی یقین ..... ۱۱۰
- امر دوم؛ تعاریف یقین به معنای اخص و ملاحظات مؤلف بر آنها ..... ۱۱۱
- تعریف مؤلف از یقین به معنای اخص ..... ۱۱۹
- کاربرد یقین به معنای اخص در اصول و فقه ..... ۱۲۰
- مبدأ پنجم: حدس ..... ۱۲۰
- امر اول؛ تعریف حدس ..... ۱۲۰

## پیشگفتار

یکی از عوامل رشد غرب در زمینه علوم، اگر چه به رنگ مادی و تجربی، تخصص‌محوری حادث در غرب در رابطه با علوم و فنون بود. این قضیه از زمان رنسانس به مدت چندین قرن ادامه داشت و با اینکه نتایجی شگفت و پیشرفت‌هایی چشمگیر و جهانی را برای جبهه غرب در پی داشت، اما افراط در تخصص‌گرایی موجب شد که خود غربیان اقرار کنند از آفات تخصص‌گرایی حادث، علاوه بر اموری چون کاهش زبان مفاهمه میان اندیشمندان، به خطا افتادن در پاره‌ای تحلیل‌های واقع‌شناسانه است.

به همین دلیل بعدها توسط آنان، رویکرد مباحث میان رشته‌ای و حتی فرارشته‌ای مطرح شد که دامنه آن به شرق و ممالک اسلامی نیز کشیده شد. ولی این به معنای آن نیست که بلاد اسلامی و مکتب منیر اسلام، فاقد رویکردهای تخصصی یا بینارشته‌ای است. بلکه وقتی به سیره علمی اکابر دانشمندان اسلامی مانند حکیم فارابی، ابن سینا، سید مرتضی، علامه حلی، ملاصدرا و دیگر بزرگان (قدس الله اسرارهم) نگریسته می‌شود، به‌رغم احترام آنها به تخصص‌محوری، مقوله بحث‌های میان رشته‌ای و حتی فرارشته‌ای را در منظومه فکر و هندسه اندیشه‌شان می‌توان نشان داد. حتی فراتر از این می‌توان مدعی بود و از عهده این ادعا نیز بر آمد که فرمایش‌های معصومین علیهم‌السلام، مبتنی بر تنوع عرصه‌های هر بحث است و به اصطلاح از جهات مختلف معرفتی و شناختی به یک قضیه دینی، علمی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، روان‌شناسی، تربیتی و غیره نگریسته شده است. به بیان دیگر وقتی فرمایش خاصی از معصوم علیهم‌السلام مشاهده و تحلیل شود، نظر به دیدگاه تحلیلگر که مثلا از جهت سیاسی، اخلاقی، اجتماعی، دینی، اعتقادی، اقتصادی، نظامی، تربیتی و یا هر جهت دیگر که بدان می‌نگرد، بهره‌ای وافر کسب کرده و در واقع فرمایش امام علیهم‌السلام، اگر جامع دیده شود، ناظر به همه عرصه‌های علوم نافع است و این به علت حقیقت‌شناسی امام علیهم‌السلام و علم لدنی و اتصال علم او، به علم لایزال الهی است. برای اینکه هر گاه کسی حقیقت را چنانکه هست، بشناسد و از آفت تقیه یا اکراه در بیان و یا هر مانع دیگری مصون باشد، بیان او جامع‌ترین توصیف

حقیقت خواهد بود و شناخت حقیقت بر آن گونه که هست، به معنای اتم و اکمل آن، فقط مخصوص معصوم علیه السلام است، همان طور که رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

«اللَّهُمَّ أَرِنِي الْأَشْيَاءَ كَمَا هِيَ.»

یکی از مباحثی که در همین راستا می‌تواند زبان مفاهمه میان اندیشمندان را تقویت نموده و در رسیدن به برداشت‌های نزدیک به هم و واقع‌بینانه‌تر مفید و نافع باشد، مقوله «مبادی و مبانی علوم» می‌باشد. مقوله‌ای که در رابطه با هر علمی می‌شود بدان پرداخت، به‌ویژه علوم رایج و با نشاط در تمدن اسلامی. بی‌شک علم اصول فقه از همین دست علوم است و اگر چه در میان شیعه نیز دچار تطوراتی (مانند کم‌عنایتی اخباریان قرن ۱۱ و ۱۲ بدان یا تورم قرن ۱۳ نسبت به آن) هستیم، اما این علم می‌تواند یکی از نقاط قوت حوزه‌های علمیه شیعه باشد. چه اینکه روشن است و هر کسی که اندک اطلاعی داشته باشد، مستور نیست که اصول فقه در میان اهل سنت حدود ۶۰۰ سال است به سبب انسداد باب فقه و اجتهاد، بسیار نزار و ضعیف بوده و اصلاً قابل قیاس با اصول فقه شیعه و جهش‌های عالمانه این علم نیست.

«مبادی علم اصول فقه» به سبب ارتباط این علم با چندین علم دیگر از بحث‌های پر دامنه‌ای است که امکان تولید کتب فراوانی درباره آن وجود دارد و آثاری نیز در همین رابطه تولید گشته است. ولی در این زمینه به تعبیر شاعر حکیم، «هنوز هزار باده ناخورده در رگ تاک است» و مایه خوشبختی و اهتزاز است که شاهدیم دانشمند فرزانه و متواضع، حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین حاج شیخ ناصر متقی املشی (دامت افاضاته و زاد الله فی عزه) علاوه بر تدریس طولانی مدت علوم منقول و معقول در حوزه علمیه، تصمیم بر نشر برخی از آثار علمی خود گرفته‌اند که اولین اثر مطبوع این استاد ارجمند ما هم اکنون در دست شما خواننده گرامی قرار دارد. اثری بدیع و نو، و تألیفی ارزنده و سودمند که به‌عنوان یک اثر مستقل، مسبوق به سابقه نیست، چرا که از زاویه شناخت‌شناسی پاره‌ای از مبادی علم اصول را به بحث نداشت‌ه‌اند و تا به حال کتابی بدین سبک و با این رویکرد نگاشته نشده است. کاری که هم می‌تواند امتداد داشته باشد و هم الگویی برای تدوین آثار مشابه در علوم دیگر به‌شمار رفته و بر رونق بازار دانش و معرفت بیفزاید. نکته دیگر آن که مؤلف محترم با تمام احترامی که برای دانش و خدمات علمای اعلام گذشته و معاصر (رحم الله معشر الماضین و حفظ الباقین) قائل

است، و این از متن کتاب به راحتی حس می شود، ولی در مقام علم و استدلال، مجتهدانه رفتار نموده و هر گاه نظری خاص در زمینه‌های به خاطر شریف ایشان رسیده، از بیان آن دریغ نداشته‌اند. روشن است که علم فقط بر گذشتگان وقف نشده و تکمیل ساختمان آن، منوط به رفض تقلید و جمود و وابسته به تلاش‌های علمی اجتهادی و زحمات دیگر دانشمندان است.

بدیهی است که سبک نگارش و بیان افراد یکسان نیست و اگر چه روش‌ها و اسلوب‌های معیاری در این زمینه ارائه شده و در آینده نیز روش‌های دیگری ارائه خواهد گشت، اما مؤلف ارجمند، نظر به غامض بودن برخی مطالب و مباحث، آنها را با عناوین و تیتروهای کوتاه و بلند مجزای از هم بیان داشته‌اند تا مخاطب، به‌ویژه مخاطبانی که هنوز در مسیر آموزشی خود در حال ارتقای عیار دانش خویش‌اند، بهره‌ بیشتری کسب نمایند. همچنین است ذکر جمع‌بندی محتوای بخش‌های کتاب در پایان کتاب، که هم عصاره‌ای از اهم محورها و نتایج بخش‌های کتاب است و هم فایده آموزشی بر آن مترتب است. ناگفته نماند به علت اینکه این کتاب حاصل تدریس استاد محترم بوده، و یک تألیف به معنای مصطلح نیست (که یک متخصص با قلم خویش از ابتدا تا انتها، کتابی را به‌تجرب در آورد)، طبیعی است که توضیح متون و بیانات علما در این اثر، پیرنگ و برجسته باشد. امری که در تدریس‌ها رواج داشته و گزارش محورهای یک بحث و تبیین‌های مکرر و متنوع، از ارکان هر تدریس در علوم انسانی، فکری و معرفتی است.

در خاتمه باید یادآوری کنم که نگارش این پیش‌گفتار توسط اینجانب از باب اطاعت امر استاد ارجمند ما بود و ضمن سپاس از استاد معزز خویش (دامت برکاته) جا دارد از یکی از شاگردان ایشان، جناب حجت‌الاسلام آقای علیرضا رضایی (زید عزه) تشکر کنم که زحمت حروف‌چینی (تایپ) افادات و افاضات املا شده استاد را در درس، متحمل شده است. چنانکه مقداری از ویراستاری صوری (و نه محتوایی) کتاب را ایشان سامان داده و بقیه ویراستاری صوری اثر را بنده انجام داده‌ام. مزید توفیقات علما و فضیلتی حوزه‌های علمی شیعہ را از دادار بی‌همتا و شمول عنایات حضرت بقیه الله علیه السلام را نسبت به خادمان علم و مذهب خواستاریم.

محمدعلی نجفی کرمانشاهی

حوزه علمی مبارکه قم

اردیبهشت ۱۴۰۰ هـ ش